

درس 6

«خدا در فلسفه 2»

در درس قبل مختصری از نظرات فلاسفه یونان باستان و همچنین فلاسفه دوره جدید اروپا در باره خدا داده شد.

در این درس نظرات فلاسفه اسلامی در باره خدا بیان شده و در حد مقدور با یکدیگر مقایسه می شوند.

نکته مهم:

بحث فیلسوف، خواه مسلمان خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگری تا وقتی فلسفی است که:

1- از روش فلسفه یعنی «استدلال عقلی» استفاده کند

2- فیلسوف نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی (استدلال عقلی) عرضه نماید

پس: فیلسوف کسی است که: الف- بر اساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته ب- و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.

نکته:

فیلسوف معتقد به خدا از طریق «استدلال» به خدا اعتقاد پیدا کرده و از همین طریق از خدا دفاع می کند.

سوال؟

چرا بحث فلاسفه ای مانند دکارت و کانت در باره خدا با وجود اینکه مسیحی بودند، یک بحث فلسفی بوده؟

پاسخ: چون به روش فلسفی بیان شده است (استدلال عقلی)

تذکر: در فلسفه یازدهم آموختیم که آخرین مرحله تفکر فلسفی، «دریافت فلسفی» است، که دریافت فلسفی یعنی اینکه برای آنچه که پذیرفته ای دلیل بیاوری.

سوال؟ پیشینه اعتقاد به خدا در فرهنگ ما چگونه است؟

پاسخ: اعتقاد به خدا به عنوان خالق هستی که جهان را بر اساس حکمت و عدل آفریده، در فرهنگ ما سابقه دیرینه دارد؛ بر اساس: الف- گزارش های تاریخی ب- داستان های اسطوره ای از ایران قبل از باستان یعنی پیش از حکومت مادها و هخامنشیان ج- گزارش سهروردی از حکما و عرفای ایران باستان که خداوند را نور هستی می دانستند.

راه های اثبات وجود خداندزد فیلسوفان مسلمان

دانستیم که برخی از فلاسفه اروپایی عقل و استدلال عقلی را برای اثبات وجود خدا کافی ندانسته و دلایل دیگری برای شناخت خدا ارائه کردند، اما فلاسفه مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، (عموم فلاسفه مسلمان) معتقدند که اثبات وجود خدا از طریق «استدلال عقلی» امکان پذیر است.

سوال؟ تلاش فیلسوفان مسلمان برای اثبات وجود خدا به چند شکل بود؟

پاسخ: به دو شکل:

الف- استدلال های طرح شده را با بیانی بسیار دقیق توضیح دادند

ب- در این زمینه استدلال جدید ارائه کردند

استدلال های فلاسفه مسلمان بر اثبات وجود خدا:

استدلال فارابی

بیان فارابی برای اثبات وجود خدا چنین است:

الف- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیز های دیگرند

ب- هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد (یعنی فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود)

ج- اگر معلولی که «اکنون موجود است» علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار این معلول هم علت دیگری دارد ، حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیاز است ، اکنون اگر زنجیره این علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش رود و منتهی به علتی نشود که خود معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید

د- تسلسل علل نامتناهی محال است ؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ یعنی، اصلاً نوبت به معلولی «که هم اکنون پیش روی ماست» نمی رسد؛

به عبارت دیگر ، اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید بی نهایت موجود پدید بیاید تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و هیچ گاه بی نهایت و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

توجه:

فارابی اینگونه بطلان تسلسل علل را نیز اثبات می کند .

توضیح:

این معلول مثلاً «گل» که اکنون پیش روی ماست ، وجود دارد ، این معلول نمی تواند خود به خود به وجود آید (بدون علت) اما علت نهایی آن باید برای موجود شدن به علت دیگری نیاز نداشته باشد تا هم خود باشد و هم تمام زنجیره علت های قبل خود را به وجود آورد؛ در غیر این صورت به ناچار باید گفت ، چیزی که نیست در عین حال هست شود (هستی نیستی در آن واحد در یک چیز جمع شود) و این تناقض است.

مثال: کتاب های یک کتابخانه را در نظر آورید، کتاب اول به کتاب دوم تکیه کرده و کتاب دوم به کتاب سوم و کتاب سوم به کتاب چهارم... حال آیا می شود آخرین کتب بدون اینکه بر جایی تکیه کرده باشد ، ایستاده باشد؟ پاسخ منفی است اما آن عامل آخر (دیواره قفسه) که علت قائم بودن تمام کتاب هاست، خود نباید به جای دیگری تکیه داشته باشد در غیر این صورت این زنجیره ادامه پیدا خواهد کرد و به جایی نخواهد رسید.

نتیجه برهان فارابی:

سوال؟ آیا فلاسفه بعد از ابن سینا برهان وی را در اثبات وجود خدا تایید کردند؟

پاسخ: بعد از ابن سینا هم در جهان اسلام و هم در اروپا، برهان ابن سینا برهان قوی در اثبات وجود خدا دانسته شد و «برهان وجوب و امکان» نامیده شد.

توجه: پس این برهان پس از ابن سینا «برهان وجوب و امکان» نامیده شد.

بیان ملاصدرا

ملا صدرا استدلال این سینا را در اثبات وجود خدا ارتقا می بخشد و توضیح می دهد.

سوال؟

بیان ملاصدرا چه تفاوتی با برهان ابن سینا در اثبات وجود خدا دارد؟

پاسخ: ملاصدرا به جای نگاه به ماهیت اشیا و اینکه چون ممکن الوجود هستند و نیاز به علت دارند، از همان ابتدا به خود «وجود» و واقعیت نگاه می کنیم.

سوال؟ نظریه امکان فقری (فقر وجودی) ملا صدرا در باره ملاک نیازمندی موجودات به علت را بنویسید.

پاسخ: ملا صدرا می گوید: همه موجودات و واقعیات عین وابستگی و نیازمندی هستند و نیازمندی به غیر سراسر وجود واقعیات را فرا گرفته است؛ وی این وابستگی و نیاز را «امکان فقری» می نامند.

استدلال ملاصدرا

1- به هر موجودی که نگاه می کنیم وجودش عین وابستگی و نیاز است

2- موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود غیر نیازمند و برخوردار باشد

3- پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته اند

سوال: ملا صدرا موجودات را به چند دسته تقسیم می کند؟

پاسخ:

دو دسته:

1- وجود بی نیاز و غیر وابسته

2- وجود های نیازمند و وابسته

سوال؟ بر اساس نظریه امکان فقری «جهان چگونه تفسیر می شود؟

پاسخ: یکپارچه نیاز به و تعلق به ذات الهی است و از خود استقلالی ندارد اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را باز گیرد، کل موجودات جهان نابود می شوند.

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره خدا و معنا داری حیات:

فلاسفه مسلمان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند ؛ توضیح: آنان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه آن را می نوشد آب «واقعی» است که نیاز او را برطرف می کند و سیراب می سازد. از نظر یک فیلسوف الهی ، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیار های یک زندگی معنا دار را به دست آورد.

معیار های یک زندگی معنا دار از نظر یک فیلسوف الهی

- 1- جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد
 - 2- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند
 - 3- برای انسان گزایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی یعنی (خدا) وجود دارد
 - 4- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند
 - 5- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد
- توجه: اگر فیلسوفی نتواند وجود چنین خدایی را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می دهد.

تذکر و تأمل:

اگر چه در فلسفه ابن سینا به روش استدلال عقلی توجه شده است و وجود خداوند را با دلایل فلسفی (عقلی) اثبات می کند، در عین حال توصیفی مبتنی بر «عشق» از رابطه خدا ، جهان و انسان ارائه می دهد که برخی از معیار های زندگی معنا دار نشان داده می شود.

تطبیق سخن ابن سینا با معیار های پنجگانه در رساله ای در باره «عشق»:

الف- هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجود خویش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان است : (معیار 3)

ب- همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات است، «عشق» می نامیم.(معیار 1-2-3)

ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.(معیار های 1-2-5).

سوالات تشریحی

1- بحث در باره خدا تا چه هنگام فلسفی است؟ (پاسخ دو مورد است)

پاسخ: تا وقتی که فیلسوف الف- از روش استدلال عقلی محض تجاوز نکند ب- نتایج تفکر خود را به صورت «استدلالی» عرضه کند.

2- در رابطه با اثبات وجود خدا، کار فیلسوفانه کدام است و فیلسوف چه کسی است؟

پاسخ:

الف- کسی است که بر اساس قواعد فلسفیس (استدلال عقلی محض) عقیده ای را پذیرفته

ب- با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند

یعنی: فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.

3- آیا «امکان» اثبات خدا از طریق عقل و استدلال عقلی وجود دارد؟ دیدگاه فلاسفه اروپایی و فلاسفه مسلمان در این زمینه چیست؟

پاسخ: «برخی» از فلاسفه اروپایی و «عموم» فلاسفه مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.

4- استدلال فارابی بر اثبات وجود خدا بر چه اصلی استوار است؟

پاسخ: «اصل تقدم علت بر معلول»

5- استدلال و برهان فارابی را در اثبات وجود خدا بنویسید. (مهم)

پاسخ:

بیان فارابی برای اثبات وجود خدا چنین است:

الف- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند

ب- هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد (یعنی فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود)

ج- اگر معلولی که «اکنون موجود است» علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار این معلول هم علت دیگری دارد، حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سوم نیاز است، اکنون اگر زنجیره این علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش رود و منتهی به علتی نشود که خود معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید

د- تسلسل علل نامتناهی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ یعنی، اصلاً نوبت به معلولی «که هم اکنون پیش روی ماست» نمی رسد؛

به عبارت دیگر ، اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید بی نهایت موجود پدید بیاید تا نوبت به معلول پیش روی ما برسدو هیچ گاه بی نهایت و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

6- با توجه به برهان فارابی چرا سلسله علت ها نمی تواند تا بی نهایت پیش برود؟

پاسخ:

اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود ، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد.

7- نتیجه برهان فارابی چیست؟

پاسخ:

در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و «علةالعلل» موجودات دیگر است.

8- برهان ابن سینا برای اثبات است.

پاسخ: واجب الوجود بالذات

9- نام دیگر برهان ابن سینا برهان..... است.

پاسخ: برهان وجوب و امکان

10- ابن سینا در ابتدای برهان خود به کدام اصل فلسفی اشاره می کند؟

پاسخ: اصل «واقعیت مستقل از ذهن آدمی» یا اصل «واقعیتی هست» (وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، یعنی موجوداتی جدای از ذهن ما هم در عالم خارج هستند و جهان هیچ در هیچ نیست).

11- استدلال یا برهان ابن سینا را در اثبات وجود خدا بنویسید. (مهم)

پاسخ:

1- موجوداتی در عالم خارج هستند ؛ حال می بینیم این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم ، (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند(ممکن الوجود بالذات)

2- ممکن الوجود بالذات برای اینکه از حالت تساوی خارج شده و هست شود، نیاز به واجب الوجود بالذات دارد؛ (موجودی که وجود ذاتی او باشد).

3- پس موجودات این جهان به واجب الوجود بالذات وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورد. (آن واجب الوجود بالذات خداست).

12- فلاسفه مسلمان در کنار بحث «اثبات وجود خدا»، چه بحث دیگری را مطرح می کنند؟(با مثال توضیح دهید)

پاسخ: بحث تأثیر اعتقاد به خدا در زندگی انسان و نقش آن در معنا بخشی به حیات بشری.

مثلاً: آنان وجود خدا و و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.

آنان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه این آب واقعی را می نوشد؛ این آب واقعی است که نیاز او را بر طرف می کند و سیرایش می سازد.

خدا نیز همین گونه است؛ پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد ، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیار های یک زندگی معنا دار را به دست آورد.

13- معیار های یک زندگی معنا دار از نظر یک فیلسوف مسلمان کدام است؟

پاسخ:

1- جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد

2- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند

3- برای انسان گرایش به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی یعنی (خدا) وجود دارد

4- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند

5- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد

14- آیا ابن سینا علاوه بر دلایل فلسفی، توصیفی دیگری نیز از خدا دارد؟ اگر پاسخ مثبت است این توصیف بر چه پایه ای است؟

پاسخ: بله ابن سینا که وجود خداوند را با دلایل فلسفی اثبات کرده است، در عین حال توصیفی مبتنی بر «عشق» از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می دهد که می تواند در بردارنده برخی از معیار های زندگی معنا دار باشد.

15- ابن سینا سبب بقای ممکنات را می داند.

پاسخ: عشق

16- ابن سینا سبب بقای ممکنات را چه می داند؟ (سخن ابن سینا را بنویسید)

پاسخ: هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، (معیار 3 گرایش فطری) همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان، همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات (معیار 1- 2- 3- 4) است، «عشق» می نامیم.

توضیح: فطرت خدا دادی انسان دارای ابعاد مختلفی است از جمله: 1- میل به پرستش 2- میل به حقیقت جویی 3- میل به زیبایی 4- میل به نیکی و گریز از بدی

این فطرت میان تمام انسان ها مشترک است.

15- به اعتقاد ابن سینا عشق و محبت میان انسان و جهان ناشی از چیست؟

پاسخ: این سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان ، از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

16- پیام اشعار زیر از نظامی گنجوی را بنویسید.

فلک جز عشق محرابی ندارد	جهان بی خاک عشق ، آبی ندارد
کسی کز عشق خالی شد، فسردهست	گرش صد جان بود، بی عشق مرده است
طبیاع جز کشش کاری ندارند	حکیمان این کشش را عشق خوانند
گر اندیشه کنی از راه بینش	به عشق است ایستاده آفرینش

پیام:

عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

پاسخ فعالیت ها

فعالیت مقایسه صفحه 42

-نظر فیلسوفان مسلمان با نظر دکارت عقل گرا هماهنگ است

-با نظر کانت هماهنگی ندارد

-با نظر تجربه گرایانی همچون هیوم هماهنگی ندارد

-با نظر تجربه گرایانی همچون ویلیام جیمز نیز هماهنگ نیست زیرا این فیلسوف هم به امکان استدلال عقلی معتقد نیست

فعالیت تطبیق صفحه 43

در سال قبل آموختیم که عموم فلاسفه مسلمان استدلال عقلی را در بحث معرفت شناسی می پذیرند و علاوه بر آن راه های دیگر شناخت از جمله شهود و وحی و سنت را نیز قبول دارند بنابراین این در بحث خدا شناسی امکان معرفت پر وجود خداوند با بهره مندی از این ابزار را قائل هستند.

فعالیت بررسی صفحه 44

الف-فیلسوفان نمی گویند هر موجودی نیازمند علت است ، آنان می گویند هر معلولی و هر پدیده ای نیازمند علت است. اما کسانی مانند جان استوارت میل و برتراند راسل این اشتباه را کرده اند و چنین فرض کرده اند که فیلسوفان می گویند هر موجودی نیازمند علت است.

ب-همچنین راسل پنداشت که علت العلل از نظر فیلسوفان با سایر علل هیچ فرقی ندارد و آن هم چیزی مانند چیزهای دیگر است و در نتیجه به علت نیازمند است.

فعالیت تطبیق صفحه 48

- اشتیاق ذاتی و ذوق فطری موجودات به کمالات معیار 1 و 2
- گرایش فطری به خوبی ها و گریزان بودن از بدی ها معیار 3
- جاذبه عشق الهی در انسان معیار 3
- موارد زیر را می توان از اشعار به دست آورد
- وجود یک عشق مقدس و برتر در جهان و انسان معیار 1 و 3
- برتری انسان عاشق بر انسان های معمولی معیار 3 و 4
- وجود یک کشش به سوی خدا در موجودات معیار 1 و 2 و 3

فعالیت نمونه:

- 1- مقصود آلبرکامو این است که جهان چیزی جز همین طبیعت نیست؛ این طبیعت هیچ پیام متعالی و بزرگ برای من ندارد. آیا جهان غایتمند است؟ آیا یک حقیقت مقدس و متعالی وجود دارد؟ نمی دانم
- 2- تناقض درونی آلبرکامو را دنبال می کند؛ او از یک طرف فطرتی با گرایش ب خیر و زیبایی و جهان متعالی دارد و از طرف دیگر معتقد است که جهان چیزی جز همین طبیعت مادی نیست یعنی اندیشه و فکر او ظرفیت پذیرش این گرایش فطری را ندارد. راه حل این است که وی به تحقیقات خود ادامه دهد تا شاید بتواند به دریافتی درست از انسان و جهان برسد.
- 3- نشان می دهد که آلبرکامو به جای دنباله روی از فکر و اندیشه تسلیم فطرت خود شد و به گرایش ها و تمایل های انسانی خود پاسخ مثبت داده است.

فعالیت به کار ببندیم صفحه 50

در این فعالیت چهار سوال مطرح شده که پاسخ هر کدام بیان می شود:

- 1- از نظر کرکگور ایمان به خداوند از راه برهان عقلی و شناخت حاصل نمی شود و بیشتر از ناحیه لطف الهی است اما فلاسفه مسلمان معتقدند شناخت عقلی و برهان عقلی می تواند مقدمه ایمان به خدا قرار گیرد
- 2- ابن سینا ملاک «علت داشتن» را به خوبی تشخیص داده و گفته هر چیزی که ممکن الوجود است، نیازمند علت است اما راسل این گونه فکر کرده که هر موجودی نیازمند علت است در حالی که در موجود بودن، هیچ چیزی که نشانه نیازمندی باشد دیده نمی شود.
- 3- آن دیدگاهی که هم اثبات خدا را امکان پذیر می داند و معنا داری را فرع بر پذیرش خدا قرار داده، کامل تر است

سوالات تست

1- کدام فیلسوف در استدلال خود برای اثبات وجود خدا به باطل بودن تسلسل علل نامتناهی تکیه کرد؟

1- ملاصدرا 2- سهروردی 3- ابن سینا 4- فارابی

2- کدام گزینه کمک ملاصدرا در تکمیل کاری بود که ابن سینا انجام داده بود؟

- 1- اصالت وجود 2- وحدت وجود 3- اصل حقیقت وجود 4- مغایرت وجود و ماهیت
- 3- کدام گزینه از معیار های زندگی معنا دار نیست؟
- 1- غایتمند دانستن انسان و جهان 2- احساس تعهد در برابر یک موجود متعالی
- 3- امتیاز قائل شدن برای آرمان های فراتر از زندگی مادی
- 4- تحمل بر اساس فطرت انسانی
- 4- چه تعداد از موارد زیر در مورد برهان فارابی و شیخ الرئیس در اثبات وجود خدا درست است ؟
- الف- مقدمه اول هر دو برهان به ممکن الوجود بودن ماهیت موجودات جهان اشاره دارد
- ب- نقض مقدمه دوم ابن سینا برابر است با نقض اصل امتناع ترجیح بلا مرجح
- ج- مسیر یکی از این براهین از علت به معلول و مسیر دیگری بالعکس است
- 1- صفر 2- یک 3- دو 4- سه
- 5- اگر علة العلل و واجب الوجود بالذات نباشد، کدام مشکل پیش می آید؟
- 1- در این صورت خود نیز باید علتی داشته باشد ، پس نمی تواند علة العلل باشد
- 2- چنین موجودی امکان وجود بخشیدن به موجودات دیگر را ندارد
- 3- علی رغم بطلان دور، در سیر علل دور ایجاد می شود
- 4- علی رغم وجود او، واجب الوجود بودن آن زیر سوال می رود
- 6- کدام یک از جملات زیر نباید از یک فیلسوف بیان شود؟
- 1- من دلیل وجود خداوند را در تجربه های شخصی درونی خود یافته ام
- 2- از آنجا که عقل ما محدود است خداوند را نمی توان اثبات کرد
- 3- محال بودن جمع نقیضین بدیهی است و قابلیت اثبات ندارد
- 4- عقل انسان همواره از تصورات خود تبعیت می کند
- 7- کدام یک از گزینه های زیر جزء اصول یا قواعد پذیرفته شده در استدلال فارابی برای اثبات وجود خداوند نیست؟
- 1- بطلان تسلسل علل نامتناهی 2- اصل تقدم وجود علت بر وجود معلول
- 3- اصل واقعیت جهان خارج از ذهن 4- اصل علیت و عدم قبول صدقه و اتفاق
- 8- کدام گزاره برای شرح تسلسل مناسب تر است؟

1- وجود علتی بالاتر بر تمام معلول ها

2- وجود واجب الوجود بالغير که سر سلسله است

3- وجود علة العلل یا واجب الوجود برای جهان

4- غایتمندی جهان به واسطه وجود خالق

9- هر یک از ممکنات به واسطه همیشه است و بر حسب است.

1- حقیقت وجودش- مشتاق کمالات و خیرات- فطرت خود- از بدی ها گریزان

2- فطرت- از بدی ها گریزان- حقیقت وجودش- مشتاق به کمالات و خیرات

4- فطرت خود- مشتاق به کمالات و خیرات- حقیقت وجودش- از بدی ها گریزان

10- برهان فارابی در نفی تسلسل علل بر کدام اصل فلسفی مبتنا دارد؟

1- وجوب علی و معلولی

2- سنخیت علت و معلول

3- تأخر وجودی معلول بر علت

4- مشروط بودن وجوب معلول

11- بر طبق دیدگاه الهیون کدام یک از معیار های زندگی معنا دار نیست؟

1- وجود ما به ازای واقعی برای خیر و زیبایی

2- غایتمندی جهان هستی

3- بی اعتباری آرمان های فراتر از زندگی مادی

4- حس مسئولیت در برابر امر متعالی

12- بیت « کسی کز عشق خالی شد فسر دست / گرش صد جان بود، بی عشق مرده ست » به چه مسئله فلسفی اشاره دارد؟

1- رابطه انسان با موجودات جهان

2- عشق و محبت میان انسان و جهان

3- جاذبه عشق الهی در کنه جهان

4- اشتیاق ذاتی انسان به کمالات

13- اولین مقدمه برهان ابن سینا و فارابی در اثبات خدا چه شباهتی با هم دارد؟

1- هر دو با تعریف ماهیت و تمایز آن از وجود شروع می شود

2- هر دو با معنای امکان و وجوب شروع می کنند

3- هر دو با نظر به اشیا و پدیده های جهان شروع می کنند

4- هر دو با در نظر گرفتن ذات امکانی موجودات شروع می کنند

پاسخنامه

1- گزینه چهار 2- گزینه سه 3- گزینه چهار 4- گزینه سه (هر دو سیر از معلول به علل یا واجب الوجود بالذات است. فارابی علل العلل و ابن سینا واجب الوجود بالذات می گوید) 5- گزینه یک 6- گزینه یک (بحث در باره خداوند زمانی فلسفی است که به روش تعقلی محض باشد) 7- گزینه یک (فارابی بطلان تسلسل علل را اثبات می کند و آن را جز قواعد پذیرفته شده به کار نمی گیرد.) 8- گزینه یک 9- گزینه یک 10- گزینه سه 11- گزینه سه 12- گزینه دو 13- گزینه سه